

نگرشی برجایگاه و اهمیت سنت تاریخنویسی محلی ایرانی

جهانبخش ثواقب*

دریافت مقاله: ۹۳/۰۱/۲۵

پذیرش مقاله: ۹۳/۰۲/۲۹

چکیده

تاریخنویسی محلی، در کنار سایر گونه‌های تاریخنویسی، یکی از زمین‌هایی بوده‌است که مورخان ایرانی آن را آزموده و آثار ارزنده‌ای پدید آورده‌اند. این نوع تاریخ نگاری، با محوریت مکاننگاری، آگاهی‌های ارزشمندی در باب حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخ، جغرافیا، حکام و فرمانروایان و تحولات سیاسی یک شهر و ناحیه‌های خاص ارائه می‌دهند که در دیگر گونه‌های تاریخنگاری، نظیر تواریخ عمومی و یا سلسله‌های، کمتر دیده می‌شود. در واقع، نوعی تاریخ اجتماعی یا تمدنی و، خیلی ساده‌تر، نوعی شهرشناسی به شمار می‌روند. امروزه، در پژوهش‌های تاریخی با رویکرد اجتماعی و تمدنی، تاریخ‌های محلی جایگاه برجسته‌ای یافته و در کنار دیگر منابع و متون در ترسیم چهره شهرها و بررسی تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نواحی مختلف، گزارش‌های آنها بسیار راهگشاست. در این مقاله با بررسی جایگاه، ویژگیها و مؤلفه‌ها، انگیزه‌ها و اهداف تاریخ نویسی محلی ایرانی و ارائه فهرستی از تاریخ‌های محلی در باب شهرهای ایران، بر این نکته تاکید میگردد که این گونه تاریخنویسی، بهرغم فراز و فرودهای آن، به صورت یک سنت مستمر توسط مورخان ایرانی از سده سوم تا دوره معاصر تداوم داشته و جایگاه ویژه‌ای در رویکرد زیستبوم نگارانه به تاریخ داشته‌است.

کلیدواژه: ایران، تاریخنگاری، مورخان ایرانی، تاریخنویسی محلی، متون تاریخی.

مقدمه

- یکی از گونه‌های تاریخ‌نگاری ایران در دور اسلامی، تاریخ‌نگاری محلی است. تواریخ محلی در کنار تواریخ عمومی، سلسله‌ای یا دودمانی، تک‌نگاری، تاریخ‌نگاری منظوم و دیگر گونه‌های تاریخ‌نویسی - مانند سفرنامه‌نویسی، خاطره‌نویسی و وقایع‌نگاری، شرح‌حال‌نویسی، مراسلات، منشآت و اسناد دیوانی و نوشته‌هایی در باب تشکیلات دیوانی - شاخه‌های تاریخ‌نویسی ایرانی را شکل می‌دهند. این سبک تاریخ‌نویسی، از سد سوم هجری به بعد، کاملاً متداول بوده و در دوره‌های بعد نیز تداوم یافت و آثار متعددی در این باب توسط مورخان ایرانی پدید آمد که، به - رغم در دست نبودن آنها، برخی از این تواریخ بر جای مانده‌است.
- تاریخ محلی - که از آن به تاریخ منطقهای، شهرشناسی، تاریخ ولایات و حتی تاریخ اجتماعی تعبیر میشود - با انگیزه‌های متفاوت حب وطن، تفاخر محلی، خواست و تشویق حکومتگران محلی، علاقه شخصی و یادگار گذاشتن اثری از خود جهت عبرت دیگران و اهدافی از این قبیل، غالباً توسط مورخان بومی و محلی - اما نه همواره - برای نشان دادن جایگاه یک منطقه یا شهر در دوره‌های خاص یا دوره‌های تاریخی به نگارش درآمد. این نوع تاریخ‌نویسی خود زیرگونه‌های متعددی را دربر میگیرد: زیستبوم - نگاری (تاریخ و جغرافیای یک مکان، شهر و منطقه خاص = شهرشناسی)؛ نام‌نگاری محلی (طبقات رجال و تراجم احوال یک ناحیه)؛ زمان‌نگاری محلی (تاریخ فرمانروایان و امرا و حکومت‌های محلی)؛ فتوح‌نگاری شهرها؛ مزارنویسی یا مزارات (عرفا و صوفیان)؛ یادداشت نویسی (در باره اوضاع یک شهر)؛ سفرنامه‌نویسی (در مسافرت به یک شهر یا ناحیه)؛ ایلپژوهی (تاریخ ایلات و طوایف یک ناحیه) و غیره.
- مورخان ایرانی، همان طور که در سایر گونه - های تاریخ‌نویسی - چه به لحاظ کمیّت و چه از نظر سبک و سیاق تاریخ‌نویسی - جایگاه برجسته - ای دارند، در تاریخ‌نویسی محلی نیز با رویکردهای سیاسی، مذهبی، علمی و... آثار ارزنده‌ای پدید آورده‌اند که، علاوه بر توصیف شهرهای ایران - از نظر تاریخ و جغرافیا، تقسیمات، بلوکات، تاسیسات و سایر موارد - آگاهی‌های ارزشمندی در باب اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و علمی آن شهرها در سده‌های مختلف به دست داده‌اند. بی - شک این حجم از اطلاعات در همان آثاری که به جا مانده، برای پژوهشگران در شناخت شهرها و بررسی حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران زمین، بسیار مفید و ارزنده خواهد بود. طبیعی است که برخی دوره‌ها، به سبب تشدید انگیزه - هایی که بدان اشارت رفت، به ویژه تقویت تمایلات وطن‌گرایانه در برابر نگرش جهان وطنی اسلامی یا ظهور و بروز حکومت های محلی و عدم تمرکز سیاسی، دامنه این نوع تاریخ‌نویسی گسترده شده و دوره‌هایی دیگر، احتمالاً به سبب حاکمیت دولت‌هایی که هویت گسترده سرزمینی و جغرافیایی و نوعی یکپارچگی سیاسی به خود می‌گرفتند، شیب نزولی طی می‌کرد؛ اما این سنت همچنان سریر مرسوم خود را حفظ کرد.